



عرفان کسرائی

گروه فلسفه علوم
دانشگاه کاسل

خطرات شبه علم در طب و پیشنهادات درمانی

لیموترش‌ها دکتر می‌شوند

شبه علم به بیان ساده به مجموعه‌ای از آمیختن‌ها، نظریه‌ها، یا باورهایی گفته می‌شود که ممکن است از دور شبیه به موضوعات علمی دیده شوند. اما با کمی دقت می‌توان دریافت که منبع ادعاهای شبه علمی صرفاً نقل قول‌های سینه به سینه یا تجربیات شخصی افراد است. نه روش علمی مبتنی بر آزمون‌های مستقل و تکرارپذیر تجربی. موضوعات شبه علم هر چیزی می‌تواند باشد؛ از اخبار مربوط به بشقاب پرندها گرفته تا طالع بینی و انرژی درمانی. شبه علم گاهی با در گلیسم پزشکی و درمان می‌کند و اینجاست که زنگ خطر به صدا در می‌آید. این زیاده‌خواهی می‌تواند به قیمت تهدید سلامت و جان افراد جامعه تمام شود. روش‌های پزشکی شایدها از انرژی درمانی گرفته تا درمان‌های معنوی، از درمان با حلقه‌های شعور کیهانی گرفته تا هومئوپاتی و تجویز لیموترش به جای شیمی درمانی در درمان سرطان، اصطلاحاً «پزشکی جایگزین» یا نامتعارف نامیده می‌شوند. آنچه که خطرات شبه علم در طب و پیشنهادات درمانی شبه علمی را پررنگ می‌کند، به دام انداختن بیماران نامید در شرایط سخت بیماری است. برای نمونه ممکن است بیمارانی که از روش‌های درمانی پزشکی خسته و مستاصل شده‌اند به هر ترتیب بخواهند شانس خود را در بهره‌گیری از این روش‌ها نیز بیازمایند. اینجاست که فرد دوره‌های درمانی و داروهای معمول را متوقف کرده و ناخواسته سلامت و جان خود را در معرض تهدید قرار می‌دهد. به‌عنوان مثال پیشنهاد شبه علمی زیر را در نظر بگیرید

که عینا و بی‌کم‌وکاست در یکی از تبلیغات شبه علم نشریات زرد نوشته شده است:

«لیمو ترش محصولی معجزه گر در نابودی سلول‌های سرطانی است و ۱۰۰۰۰ بار قوی‌تر از شیمی‌درمانی عمل می‌کند.»
در حقیقت ممکن است یک یا چند نفر ضمن مصرف لیمو ترش بر سرطان غلبه کرده باشند اما شبه علم به شما نمی‌گوید که این بهبودی ممکن است کمترین ارتباطی به مصرف لیمو ترش نداشته باشد. فیز یولوژی بدن انسان بسیار پیچیده است و نتیجه‌گیری درباره اینکه چه چیزی در بدن باعث چه چیزی می‌شود به‌سادگی تعیین علت روشن نشدن موتور خورد و نیست. بیماری‌ها در بسیاری موارد بدون دریافت هیچ کمکی ناپدید می‌شوند. به علاوه علائم بیماری، حتی انواع جدی و حاد، می‌توانند روز به روز به شدت تغییر کنند و دوره‌هایی دچار افت و بهبودی شوند. برخی بیماری‌های مزمن مانند آرتریت روماتوئید یا MS می‌تواند دستخوش تخفیف خودبه‌خودی شوند و نشانه‌ها و علائم بیماری MS می‌تواند برای سال‌ها ناپدید شود. حتی روند سرطان نیز متغیر است. یک بیمار سرطانی شاید تا چند ماه بیشتر دوام نیاورد و بیمار دیگری با همان نوع سرطان ممکن است سال‌ها زنده بماند یا بهبودی پیدا کند. به دلیل همین تغییرپذیری است که پیش‌بینی پزشکان برای زنده ماندن یک بیمار خاص غالباً اشتباه از آب در می‌آید. وقتی بیمار بر خلاف پیش‌بینی پزشک زنده می‌ماند، مردم گاهی برای هر نوع درمان نامتعارف و شبه علمی که وی طی آن مدت دریافت کرده است اعتبار قائل می‌شوند. ضمن اینکه یکی از پیچیده‌ترین پاسخ‌های فیزیولوژیک بدن انسان با نام اثر پلاسبو Placebo را نیز نباید نادیده گرفت. طبق آمار در بسیاری از بیماری‌ها بیش از یک سوم بیماران حتی وقتی به آنها درمانی بی‌اثر یا ساختگی داده می‌شود، احساس بهبودی می‌کنند.



Amphicoelias نزدیک به ۵۰ متر بوده و وزنش به ۷۸ تن می‌رسیده است.

۶ در عرف خیلی از مجله‌های داوری شده مثل *Nature* یا *Science*، اگر خبر چنین کشفی پیش از انتشار رسمی مقاله پژوهشی به رسانه‌ها درز کند، آن دیرینه‌شناس دیگر باید خواب انتشار مقاله‌اش در چنین مجلاتی را ببیند و تنها می‌تواند در مجله‌هایی با ضریب نفوذ کمتر، کشف خود را توصیف کند. این ممنوعیت رسانه‌های پیش از انتشار رسمی مقاله، به سیاست‌های اقتصادی مجله‌های بزرگ بازمی‌گردد، هر چند جنبه‌ای علمی نیز دارد و آن پرهیز از انتشار اخبار نادرست و نادقیق و سرانجام انتساب این اخبار به محتوای منتشر شده در این مجلات است. اما گویا برای دیرینه‌شناسان آرژانتینی اصلاً مهم نیست که مقاله‌شان در مجله‌های مهم و پربسامدی مثل *Nature* منتشر نشود، همین‌طور احتمالاً برای آنها مهم نیست که فردا اعلام شود؛ دایناسور آنها بزرگ‌ترین نبوده است، زیرا آنها هم مثل بقیه پژوهشگران، باید به فکر گرفتن بودجه‌ها و کمک‌هزینه‌های پژوهشی باشند و هر چه جنجال رسانه‌ای بزرگ‌تری به پا کنند، بخت اقتصادی بیشتری خواهند داشت.

۷ اما خرده اصلی در این میان به پای خبرگزاری BBC است که می‌رود سنتی جدید در انتشار اخبار علمی پایه‌گذاری کند. سنتی که قصد دارد اخبار علمی را نه از دریچه پژوهش‌ها مقاله‌های داوری شده، بلکه از دریچه و جنجال و هیاهوی مرتبط با آن نشر دهد. در حقیقت یکی از عوامل پذیرفته شدن بی‌چون و چرای این خبر در بقیه رسانه‌ها، نام خبرگزاری BBC بود.

۸ نگاه به کارنامه BBC در عرصه‌های دیگر ترویج علم نیز نشان می‌دهد این رسانه گاهی اوقات در انتشار حقیقت دست‌ورزی می‌کند. انتقادهایی که در سال‌های اخیر نسبت به مستندهای حیات وحش BBC انجام شده، این رسانه را متهم می‌کند که بینندگان را با آنچه واقعاً در طبیعت در جریان است، روبه‌رو نمی‌کند و تنها به جنبه‌های هیجان‌انگیز و عامه‌پسند می‌پردازد. البته کم نیستند مستندهایی که با چسباندن اجزای مختلفی از حقیقت، حقیقت را سفسطه‌آسا، وارونه جلوه می‌دهند یا سعی می‌کنند موضوعی بزرگ‌تر را مخفی کنند؛ نمی‌توان مستندهای حیات وحش BBC را با چنین جرثومه‌هایی مقایسه کرد. در واقع اتهام BBC این است که حتی در انتشار اخبار و مستندهای علمی نیز، سیاست‌هایی در پیش گرفته که با دنیای علم نامتناسب است.

۹ گرچه این سیاست که اخبار جهت‌تهدیه‌محور مردم منتشر شود، سیاست بسیاری از رسانه‌های بزرگ است و باعث باد کردن و بزرگ شدن دایناسور گونه خبرها نیز می‌شود، اما اگر رسانه‌ای انتشار اخبار علمی و سیاسی را با سیاستی یکسان پی‌بگیرد، دیر یا زود موجب رو شدن دست خود می‌شود. ما که دلمان برای هیچ رسانه‌ای نمی‌سوزد و قصدمان آگاهی بخشی علمی است، ولی تجربه نشان داده آخر و عاقبت چنین رسانه‌هایی ورشکستگی است. آن‌ها هم به شکلی که پرریننده‌ترین ساعات خود را به تبلیغات سیاه اختصاص دهند و آخرش هم مثل دایناسورها منقرض شوند. فاعترترو!!